

بررسی اثر اقتصاد زیرزمینی بر توسعه اجتماعی در منتخبی از کشورهای خاورمیانه

سید جواد آقاجری^۱، دکتر منصور زراءنژاد^۲ و محمدهادی اکبرزاده^۳

تاریخ وصول: ۹۷/۱۱/۲۷

تاریخ پذیرش: ۹۷/۱۲/۶

چکیده:

اقتصاد زیرزمینی با جوانب بسیار پیچیده، متنوع و گسترده خود، موجب پدید آمدن مشکلات و معضلات اقتصادی و اجتماعی، مبهم شدن آمارها و داده‌ها، عملکرد نادرست سیاست‌گذاری‌های اقتصادی - اجتماعی و در نهایت کند شدن فرآیند توسعه در جوامع مختلف شود. مطالعات انجام شده در مورد اقتصاد زیرزمینی، عمدتاً به برآورد حجم اقتصاد زیرزمینی و یا اثرات این پدیده بر متغیرهای اقتصادی در سطح کلان پرداخته‌اند. علیرغم پیوند گسست‌ناپذیر اقتصاد زیرزمینی با مسائل اجتماعی، فرهنگی و پیامدهای گوناگون این پدیده بر توسعه اجتماعی، اثرات اقتصاد زیرزمینی بر جامعه و توسعه اجتماعی در ادبیات موضوع کمتر مورد توجه قرار گرفته است. از این‌رو، هدف اصلی این مطالعه، بررسی اثر اقتصاد زیرزمینی بر توسعه اجتماعی در منتخبی از کشورهای خاورمیانه طی دوره‌ی زمانی ۲۰۱۵-۲۰۰۰ و با استفاده از روش داده‌های ترکیبی بوده است. نتایج حاصل از برآورد مدل، بیانگر اثر منفی و معنادار اقتصاد زیرزمینی و افزایش نابرابری در توزیع درآمد بر سطح توسعه اجتماعی بود. همچنین، مطابق نتایج، افزایش مخارج دولتی بر روی سطح بهداشت و آموزش اثری مثبت و معنادار بر سطح توسعه اجتماعی در کشورهای مورد مطالعه داشته است.

مفاهیم کلیدی: اقتصاد زیرزمینی، توسعه اجتماعی، داده‌های ترکیبی، کشورهای خاورمیانه

^۱ عضو هیأت علمی گروه اقتصاد دانشگاه شهید چمران اهواز sjaghajeri@scu.ac.ir

^۲ استاد گروه اقتصاد دانشگاه شهید چمران اهواز zarram@gmail.com

^۳ دانشجوی دکتری اقتصاد دانشگاه شهید چمران اهواز (نویسنده‌ی مسئول)

مقدمه و بیان مسأله

توسعه‌ی اجتماعی^۱ به‌عنوان کیفیت سیستم اجتماعی از طریق نهادینه کردن اخلاق توسعه به‌ویژه «اخلاق توسعه‌ی اجتماعی» برای دستیابی به همبستگی (وفاق) و عدالت اجتماعی در جهت بالا بردن «سطح کیفیت زندگی» و افزایش ضریب «امنیت اجتماعی» تعبیر و تعریف می‌شود (آزادارمکی و همکاران، ۱۳۹۱). توسعه‌ی اجتماعی در حقیقت ارتقاء جامعه‌ی پایدار و شایسته شأن انسانی از طریق توانمندسازی گروه‌های حاشیه‌ای مانند زنان و مردان به منظور دستیابی به توسعه در سطح زندگی فردی و بهبود وضعیت اجتماعی و اقتصادی آنان در جهت رسیدن به جایگاه مناسب خود در جامعه است (بیلانس^۲، ۲۰۱۰). توسعه‌ی اجتماعی دارای ابعاد بسیار متنوعی بوده و از متغیرهای مختلفی اثر می‌پذیرد. در این راستا، یکی از ابعاد بسیار مهم برای دستیابی به توسعه‌ی اجتماعی، بعد اقتصادی است. همان‌طور که در شاخص‌های مربوط به توسعه‌ی اجتماعی نیز مشاهده می‌شود؛ همواره عوامل و پدیده‌های با ماهیت اقتصادی مانند پدیده‌ی شهرنشینی، سطح اشتغال زنان، سرمایه‌ی اجتماعی، حمایت‌های اقتصادی و اجتماعی مانند بیمه‌ها، جرایم و احساس امنیت اقتصادی- اجتماعی، توزیع درآمد، رفاه اقتصادی و همچنین پدیده‌های مرتبط با بازار سیاه، حاشیه‌نشینی، اقتصاد زیرزمینی و اقتصاد سایه نقش تعیین‌کننده‌ای در توسعه‌ی اجتماعی بازی می‌کنند (کلانتری و گنجی، ۱۳۸۴). همه‌ی این عوامل بیانگر ارتباط عمیق و گسست‌ناپذیر بین مؤلفه‌های اقتصادی و سطح توسعه‌ی اجتماعی هستند.

یکی از پدیده‌های بسیار پیچیده با ماهیت و ابعاد گسترده‌ی اقتصادی و اجتماعی که جوانب نگران‌کننده‌ی آن توسعه‌ی اجتماعی و اقتصادی جهان معاصر را با خطر چشم‌گیری مواجه می‌کند، پدیده‌ای است که تحت عناوین مختلفی مانند اقتصاد غیر قابل مشاهده^۳، اقتصاد زیرزمینی^۴، اقتصاد سایه^۵، اقتصاد پنهان^۶، اقتصاد سیاه^۷، اقتصاد غیر رسمی^۸ و

^۱ social development

^۲ Bilance

^۳ unobserve economic

^۴ underground economy

^۵ shadow economy

^۶ hidden economy

^۷ black economy

^۸ informal economy

اقتصاد موازی^۱ شناخته می‌شود. در یک تقسیم‌بندی کلی، اقتصاد یک کشور را می‌توان به دو بخش رسمی و غیر قابل مشاهده^۲ تقسیم‌بندی کرد. فعالیت‌های غیر قابل مشاهده خارج از حوزه‌ی قانون قرار می‌گیرند و بخش رسمی و توسعه‌ی اجتماعی و اقتصادی را به شدت تحت تأثیر قرار می‌دهند (اشنایدر و کرنی^۳، ۲۰۱۳). از جمله فعالیت‌های موجود در این بخش می‌توان به پدیده‌هایی مانند قاچاق انسان و مواد مخدر، فرار مالیاتی، فساد، پولشویی و پدیده‌های ناشی از آن اشاره نمود. پیامدهای منفی و مخرب مربوط به این پدیده‌ها، بسیاری از معضلات اجتماعی را در پی خواهد داشت که می‌تواند به‌عنوان مانعی جدی در برابر دستیابی به توسعه‌ی اجتماعی در جامعه عمل کند.

بسیاری از مطالعات نظری و تجربی توجه‌ی ویژه‌ای را به موانع دستیابی به توسعه‌ی اجتماعی داشته‌اند؛ اما اکثر این مطالعات نقش بخش غیر رسمی و زیرزمینی اقتصاد در توسعه‌ی اجتماعی را مورد غفلت قرار داده‌اند (کرتچکا و دهلبگ^۴، ۲۰۱۴). با افزایش فقر و رشد نابرابر درآمد، طبقات محروم جوامع، محروم‌تر شده و همین عامل، زمینه‌ساز بسیاری از کج‌روی‌ها و معضلات اجتماعی و روی آوردن افراد طبقه‌ی محروم به سوی فعالیت‌های غیر قانونی مانند اقتصاد زیرزمینی می‌شود تا بتوانند از راه درآمد آن، نیازهای اقتصادی و اجتماعی خویش را رفع کنند. اقتصاد زیرزمینی یکی از جنبه‌های بسیار مهم در توسعه‌ی اجتماعی است که می‌تواند چالش‌های گوناگونی را برای قوانین اخلاقی و فرهنگی به‌عنوان پایه‌های توسعه‌ی اجتماعی در جوامع ایجاد کند (رادولسکو و همکاران^۵، ۲۰۱۰). اشنایدر و انسته^۶ (۲۰۰۰)، معتقدند که اقتصاد زیرزمینی به از هم گسیختن هنجارها و ارزش‌های اجتماعی منجر خواهد شد که می‌تواند اثرات منفی بر توسعه‌ی اجتماعی در پی داشته باشد. با این حال، رابطه‌ی بین اقتصاد زیرزمینی و توسعه‌ی اجتماعی هنوز با ابهام همراه است. هر چند که اثرات منفی اقتصاد زیرزمینی بیشتر در جوامع قابل مشاهده است؛ اقتصاد زیرزمینی در مواردی می‌تواند اثرات مثبتی نیز بر توسعه‌ی اجتماعی داشته باشد (سینگ و همکاران^۷، ۲۰۱۲). ادبیات موجود در زمینه‌ی اقتصاد زیرزمینی هنوز توضیحات شفافی درباره‌ی چگونگی اثرگذاری اقتصاد زیرزمینی بر توسعه‌ی اجتماعی بیان نمی‌کند.

^۱ parallel economy

^۲ unobservable

^۳ Schnider and Kearney

^۴ Karetchka and Dahlberg

^۵ Radulescu, Popescu and Matei

^۶ Schneider and Enste

^۷ Singh, Jain-Chandra and Mohommad

علت این موضوع آن است که اقتصاد زیرزمینی توسعه‌ی اجتماعی را از طریق اثرگذاری بر محیط اقتصادی - اجتماعی تحت تأثیر قرار می‌دهد (کاترچکا، ۲۰۱۴). اقتصاد زیرزمینی پدیده‌ای بسیار پیچیده است که توجه به ابعاد منفی و مثبت آن بر متغیرهای اقتصادی و اجتماعی و به ویژه توسعه‌ی اجتماعی از اهمیت بسزایی برخوردار است. به همین دلیل، بررسی پیامدهای مثبت یا منفی اقتصاد زیرزمینی بر توسعه‌ی اجتماعی هنوز هم به‌عنوان یکی از مهم‌ترین سؤالات حل نشده در ادبیات موضوع باقیمانده است. از این رو، هدف این پژوهش بررسی اثرات اقتصاد زیرزمینی بر توسعه‌ی اجتماعی در منتخبی از کشورهای خاورمیانه طی دوره‌ی زمانی ۲۰۱۵-۲۰۰۰ بوده است.

این مطالعه شامل پنج بخش اصلی است. پس از مقدمه، در بخش دوم مبانی نظری و پیشینه‌ی تحقیق مورد بررسی قرار خواهد گرفت. در بخش سوم، روش تحقیق و مدل مطالعه بیان خواهد شد. بخش چهارم به نتایج برآورد مدل و ارزیابی نتایج می‌پردازد. در قسمت پنجم و نهایی مقاله، نتیجه‌گیری و پیشنهادات ارائه گردیده است.

مبانی نظری پژوهش

- توسعه اجتماعی

استس^۱ با تأکید بر دو بعد اقتصاد و آزادی، توسعه‌ی اجتماعی را حوزه‌ای میان رشته‌ای و میان‌بخشی می‌داند که در جستجوی بهبود رفاه مادی و اجتماعی مردم در همه‌ی سطوح جامعه است. این تعریف بیان‌کننده‌ی دو نکته است: اول، تأمین رضایت مردم در سطح حداقل نیازهای اساسی از راه تأمین آن نیازها و دوم، افزایش سطح آزادی که با رشته انتخاب‌هایی که مردم می‌توانند داشته باشند، اندازه‌گیری می‌شود. استس بر این باور است که اهداف توسعه‌ی اجتماعی از طریق مشارکت مردم تا بالاترین حدّ ممکن در تعیین اهداف و نتایج توسعه دنبال می‌شوند (فاضلی و همکاران، ۱۳۹۲). استیگلitz^۲ توسعه‌ی اجتماعی را توانایی هر جامعه برای حل صلح‌آمیز تضادها، پیوند منابع اقتصادی و اجتماعی و علایق مشترک، به هنگام اختلاف منافع می‌داند و بر سرمایه‌ی اجتماعی و اعتماد در تسهیل معامله متقابل به‌عنوان عناصر مهمی در توسعه‌ی اجتماعی تأکید کرده است (استیگلitz، ۲۰۰۲). بانک جهانی در تعریف توسعه‌ی اجتماعی بر ایجاد دگرگونی ساختاری

^۱ Estes

^۲ Stiglitz

در زمینه‌ی افزایش انسجام اجتماعی و پاسخگو بودن کارگزاران و همچنین سازمان‌های دارنده قدرت تأکید کرده است (بانک جهانی، ۲۰۰۲).

به‌طور کلی، توسعه‌ی اجتماعی را می‌توان به صورت افزایش توانایی جوامع انسانی برای مواجهه با پیچیدگی‌های محیطی تعریف نمود که به مسأله‌ی بقای جوامع مربوط است. با توجه به عدم توانایی علم برای شناسایی تمامی ابعاد زندگی اجتماعی که با بقاء و زوال یک جامعه در ارتباط است، مفهوم توسعه‌ی اجتماعی مفهومی سیال است که با گسترش دانش بشری پیرامون مخاطراتی که بقای جوامع انسانی را تهدید می‌کنند، این مفهوم ابعاد گسترده‌تری پیدا می‌کند. از این منظر، جوامعی از نظر میزان توسعه‌ی اجتماعی در سطوح بالاتری قرار دارند که در مقایسه با سایر جوامع در مواجهه با پیچیدگی‌های محیطی، عملکردها و واکنش‌های بهتری دارند و در نتیجه‌ی احتمال بقای خود را در مقایسه با سایر جوامع افزایش داده‌اند (فاضلی و همکاران، ۱۳۹۲). مفهوم توسعه‌ی اجتماعی، ناظر بر اجتماع جامعه‌ای در مقام یکی از حوزه‌های چهارگانه‌ی حیات اجتماعی انسان در هر جامعه و به معنی بسط، تعریض و تحکیم است. توسعه‌ی اجتماعی با این مضمون مکمل توسعه‌ی اقتصادی، سیاسی و فرهنگی است. امروزه توسعه‌ی همه جانبه و متوازن در یک جامعه ناظر بر فرآیندی در نظر گرفته می‌شود که این چهار بعد حیات اجتماعی، همزمان و در ارتباط متقابل با هم قرار داشته باشند (آزادارمکی و همکاران، ۱۳۹۱: ۳۰-۷).

- اقتصاد زیرزمینی

اقتصاد زیرزمینی شامل همه‌ی فعالیت‌های غیر قانونی و جرائم کلاسیکی مانند سرقت، خرید و فروش مواد مخدر و مشروبات الکلی است. اقتصاد غیر رسمی خانگی^۱ شامل همه‌ی فعالیت‌های مهم خانگی است که در قوانین ملی ثبت نشده‌اند. اقتصاد سایه شامل همه‌ی کالاها و خدمات تولیدی قانونی مبتنی بر بازار است که به دلایلی از جمله دلایل زیر، تعمداً از نظارت مقامات عمومی پنهان نگه داشته می‌شوند:

الف) فرار مالیاتی و خودداری از پرداخت مالیات بر درآمد، ارزش افزوده یا دیگر مالیات‌ها؛

ب) خودداری از پرداخت هزینه‌های تأمین اجتماعی؛

^۱ household informal economy

پ) اجتناب از رعایت معیارهای قانونی مشخص مانند حداقل دستمزد، حداکثر ساعات کار، معیارهای حفاظتی یا بهداشتی؛

ت) اجتناب از رعایت روش‌های اداری مشخص مانند تکمیل پرسشنامه‌های اداری یا دیگر فرم‌های اداری (ویلیامز و اشنايدر^۱، ۲۰۱۶).

بخش زیرزمینی در همه‌ی اقتصادهای جهان وجود داشته و همراه با بخش رسمی اقتصاد به پیش می‌رود و معمولاً افراد فعالیت‌های اقتصاد زیرزمینی را در پاسخ به اعمال دولت مانند مقررات‌گذاری، مالیات‌ستانی و غیره انجام می‌دهند. اندازه‌ی اقتصاد زیرزمینی دارای همبستگی و ارتباط قوی با فعالیت‌های اقتصادی در هر جامعه است (اشنايدر و همکاران^۲، ۲۰۱۰). ریشه‌های اقتصاد زیرزمینی هنوز به‌طور کامل تعریف نشده‌اند و این ریشه‌ها می‌توانند تحت تأثیر عوامل اقتصادی، اجتماعی و سیاسی قرار بگیرند. اشنايدر و انسته^۳ (۲۰۰۰)، بیان نمودند که مهم‌ترین علل اقتصاد زیرزمینی شامل مالیات‌ستانی، مقررات‌گذاری بیش از حد، بوروکراسی^۴ و فساد است. سایر پژوهشگران نیز بر اهمیت بیشتر نقص‌های نهادی^۵ در مقایسه با مالیات‌ها در پیشرفت اقتصاد زیرزمینی تأکید می‌کنند (بووی^۶، ۲۰۰۳). این موضوع باعث شد که بسیاری از پژوهشگران به تأثیر کیفیت نهادهای اجتماعی بر سطح اقتصاد زیرزمینی بپردازند (تئوبالدلی و اشنايدر^۷، ۲۰۱۲). کیفیت دولت و بی‌طرفی نهادها می‌تواند مانع ایجاد محیطی نامطلوب برای پیشرفت اقتصاد زیرزمینی و کاهش توسعه‌ی اجتماعی گردد. همچنین پیشرفت اقتصاد زیرزمینی می‌تواند موجب کاهش کیفیت نهادها در یک کشور شود (سینگ و همکاران، ۲۰۱۴). افراد با انگیزه‌های متفاوتی در اقتصاد زیرزمینی مشارکت می‌کنند که از جمله این عوامل می‌توان به ریسک پایین کشف جرم، سهولت در مشارکت، وجود منافع پولی در آن و فقدان «وجدان اخلاقی برای وجود کیفیت» اشاره نمود (اشنايدر و انسته، ۲۰۱۳).

افراد حاضر در بخش زیرزمینی اقتصاد را می‌توان به دو دسته اصلی تقسیم نمود. گروه اول، افرادی هستند که در تلاش برای گمراه کردن دولت و فرار از پرداخت مالیات و پنهان نمودن سودهای به دست آمده خود در بخش زیرزمینی فعالیت دارند. گروه دوم،

¹ Williams, C. C., & Schneider, F.

² Schneider, Buehn, Montenegro

³ Schneider and Enste

⁴ efficiency of bureaucracy

⁵ institutional failures

⁶ Bovi

⁷ Teobaldelli and Schneider

افرادی را شامل می‌شود که فعالیت در بخش زیرزمینی را برای به خاطر ناامیدی از یافتن شغل در بخش رسمی انتخاب می‌کنند و در حقیقت اقتصاد زیرزمینی، راهی برای امرار معاش و ادامه‌ی زندگی این افراد به حساب می‌آید. فرناندز و رومرو^۱ (۲۰۱۴)، بیان نمود که حضور افراد در بخش زیرزمینی تنها به دلیل تفاوت در مهارت‌ها و توانایی کارگران نیست؛ بلکه می‌تواند به دلیل عدم وجود شغل مناسب و کافی برای استخدام افراد در اقتصاد رسمی باشد. برخی از مطالعات به این دیدگاه اعتقاد دارند که جوامع با سطح اعتماد متقابل بالاتر بین افراد، سطح پایین‌تری از اقتصاد زیرزمینی را تجربه می‌کنند (دهرنوکورت و مئون^۲، ۲۰۰۸). افزایش سطح آموزش می‌تواند به‌عنوان یکی از عوامل اصلی جهت کاهش اقتصاد زیرزمینی مطرح شود (الا^۳، ۲۰۱۳).

- اثرات مثبت و منفی اقتصاد زیرزمینی بر توسعه اجتماعی

با مروری بر مبانی نظری و مطالعات تجربی انجام شده در مورد اقتصاد زیرزمینی و اثرات آن بر متغیرهای اقتصادی و اجتماعی، می‌توان دریافت که اقتصاد زیرزمینی می‌تواند بر حسب شرایط موجود در یک جامعه، عمدتاً اثری منفی و در برخی از موارد اثری مثبت بر توسعه‌ی اجتماعی در کشورهای مختلف داشته باشد (سینگ و همکاران، ۲۰۱۴). بسیاری از مطالعات نشان می‌دهند که این اثرات عمدتاً از طریق محیط اقتصادی بر روی توسعه‌ی اجتماعی پدید می‌آیند. به‌عنوان مثال، کاهش در مالیات‌های جمع‌آوری شده به کاهش در مخارج دولت می‌انجامد. بنابراین، این مسأله می‌تواند موجب شود که کشور فقدان توسعه را در زمینه‌های بهداشتی، آموزشی، سلامت عمومی و غیره تجربه کند (کاترچکا، ۲۰۱۴).

اثر منفی اقتصاد زیرزمینی بر توسعه‌ی اجتماعی را می‌توان با استفاده از دلایل متفاوتی تفسیر نمود. اولاً، افزایش اندازه‌ی اقتصاد زیرزمینی باعث می‌شود که کاهش معناداری در درآمدهای مالیاتی روی داده و نظارت بر کالاهای عمومی کاهش یابد که در نهایت به‌عنوان مانعی در برابر رشد اقتصادی عمل خواهد نمود. کاهش در درآمدهای مالیاتی به کاهش در مخارج دولت منجر شده و در نهایت از طریق کاهش کیفیت محیط اجتماعی به افزایش در سطح اقتصاد زیرزمینی منجر خواهد شد. این موضوع مطمئناً

¹ Fernández-Serrano, J., & Romero, I.

² D'Hernoncourt and Méon

³ Ela

کیفیت نهادها را کاهش داده و در نهایت به کندی فرآیند توسعه‌ی اجتماعی منجر خواهد شد (مارا^۱، ۲۰۱۱). ثانیاً، در زمان پیدایش اقتصاد زیرزمینی در دسترس بودن خدمات عمومی برای هر یک از افراد حاضر در یک اقتصاد کاهش یافته و در نتیجه رشد اقتصادی ضعیف‌تر خواهد شد. این بدان معناست که رشد اقتصاد زیرزمینی می‌تواند موجب کاهش درآمدهای دولتی شده و در نهایت ظرفیت اقتصاد را برای عرضه‌ی کالاهای عمومی با کیفیت بالا را کاهش داده و به نزول کیفیت زندگی و نزول توسعه‌ی اجتماعی منجر می‌شود (لوژایا^۲، ۲۰۱۱). ثالثاً، اقتصاد زیرزمینی با «علامت‌دهی غلط، تصمیم‌گیرندگان اقتصادی را به سوی اتخاذ استراتژی‌های نامناسب در اقتصاد کلان» تشویق می‌کند. اقتصاد زیرزمینی می‌تواند موجب اختلال در تصمیم‌گیری بهینه‌ی دولت شود. زمانی که اقتصاد غیر رسمی بخش مهمی از یک اقتصاد را اشغال می‌کند، تصمیم‌گیری بهینه توسط دولت غیر ممکن خواهد بود. در نتیجه، این فرآیند به کاهش در رفاه اجتماعی و کاهش توسعه‌ی اجتماعی منجر خواهد شد (مارا^۳، ۲۰۱۱). وجود اثرات جانشینی بین تولید ناخالص ملی در اقتصاد رسمی و اقتصاد زیرزمینی، اساساً مبتنی بر این ایده است که فعالیت‌های اقتصاد زیرزمینی موجب ایجاد رقابت ناعادلانه شده و اثرات منفی را بر تخصیص منابع از طریق بازار خواهد گذاشت (نیک‌پور و همکاران^۴، ۲۰۰۸). اقتصاد زیرزمینی همواره با اثرات منفی متنوعی در زمینه‌ی رفاه همراه است که از جمله آن می‌توان «اتلاف شدید» منابع اقتصادی و مشکلات گسترده اجتماعی به دلیل عدم رعایت قانون را بیان نمود. یکی از مهم‌ترین مسائل و نگرانی‌ها در مورد اقتصاد زیرزمینی، وجود «دور باطل»^۵ در اقتصاد زیرزمینی است که در آن بار مالیاتی منجر به کاهش تأمین مالی عمومی خواهد شد (اشنایدر و انسته، ۲۰۱۳).

با پیشرفت ادبیات موجود در زمینه‌ی اقتصاد زیرزمینی اثرات مثبت اقتصاد زیرزمینی نیز بیش از پیش مورد بحث قرار گرفت. برای مکانیسم مربوط به اثرات مثبت اقتصاد زیرزمینی نیز دلایل متنوعی وجود دارد. اسمیت (۱۹۹۰)، بیان نمود که اقتصاد زیرزمینی می‌تواند تحت برقراری فروض خاصی به رشد اقتصاد «رسمی» منجر شود. سیاست توسعه‌ی مالی دارای اثرات محرک مثبت، هم در اقتصاد رسمی و هم در اقتصاد زیرزمینی

¹ Mara

² Lozaya

³ Mara

⁴ Nikpour, Habibullah and Schneider

⁵ vicious circle

است. در این شرایط به دلیل وجود سطوح بالاتری از مالیات و در زمان حکمرانی دولتی محتاط و دوراندیش، این موضوع می‌تواند به کیفیت بالاتر دولت به‌عنوان یک نهاد اصلی در کشور کمک کند. از طرفی، عدم احتیاط و دوراندیشی در این زمینه، می‌تواند به ایجاد فضایی برای یک دولت فاسد و ناعادلانه منجر شده و به بدتر شدن شرایط بینجامد.

اقتصاد زیرزمینی به تقاضای محیط اقتصادی برای خدمات شهری و صنایع در مقیاس کوچک پاسخ می‌دهد و به همین دلیل نظریه‌ی اقتصاد نئوکلاسیک اقتصاد زیرزمینی را در این مفهوم، به‌عنوان یک پدیده‌ی بهینه در نظر می‌گیرد. چنین شرایطی می‌تواند به پتانسیل بالاتر برای رشد اقتصادی به‌عنوان نتیجه‌ی رابطه‌ی مثبت بین اقتصاد زیرزمینی و رشد اقتصادی منجر شود و در نهایت اثرات مثبتی بر توسعه‌ی اجتماعی را در پی داشته باشد (نیک‌پور و همکاران، ۲۰۰۸). اشنایدر و انسته (۲۰۰۰)، بیان نمودند که بیش از ۶۶ درصد از درآمد حاصل از اقتصاد زیرزمینی به‌صورت مستقیم و بی‌واسطه در بخش رسمی خرج می‌شود که می‌تواند اثر مثبتی بر روی رشد اقتصادی و درآمدهای مالیاتی داشته باشد. سینک و همکاران (۲۰۱۲)، نیز بیان داشتند که اقتصاد زیرزمینی در مواردی می‌تواند به‌عنوان زمینه‌ای برای افزایش رشد اقتصادی در درون اقتصاد رسمی عمل کند. اقتصاد زیرزمینی را می‌توان به‌عنوان راه حل جایگزینی برای مسائلی دانست که به شکل درست و مناسبی توسط نهادهای رسمی متعلق به دولت رفاه و بازار کار حل نشده‌اند (فائو و افینگر^۱، افینگر^۱، ۲۰۰۳). گرژانی^۲ (۱۹۹۹)، بیان نمود که در اقتصادهای برنامه‌ریزی شده، بخش زیرزمینی را می‌توان به‌عنوان نارضایتی‌های سیاسی دانست. این بدان معناست که اقتصاد زیرزمینی ممکن است، منافی را برای اقتصاد رسمی به دنبال داشته باشد و تحت شرایط خاصی بتواند موجب افزایش توسعه‌ی اجتماعی نیز گردد.

اقتصاد زیرزمینی می‌تواند انعکاسی از توسعه‌ی اجتماعی باشد و در نتیجه‌ی افزایش مهاجرت افراد به بخش زیرزمینی را می‌توان به‌عنوان واکنشی به محدودیت‌ها و قیدهای فرآیندهای ایجاد شده توسط نهادها و بوروکراسی دانست (اشنایدر، ۲۰۱۶). نکته‌ی آخر آن است که اقتصاد زیرزمینی می‌تواند خود به‌عنوان جذب‌کننده شوک‌های سیاسی و اقتصادی بالقوه عمل نماید؛ زیرا انعطاف‌پذیری معکوس در قالب موقعیت‌های پدید آمده برای وارد شدن به بخش زیرزمینی می‌تواند اثرات شوک‌های وارد شده در این بخش را نسبت به اقتصاد رسمی کاهش دهد (مارا، ۲۰۱۱). اقتصاد رسمی و دولت در برابر شوک‌های برون‌زا

^۱ Pfau-Effinger

^۲ Gerxhani

آسیب‌پذیر هستند. میزان آسیب‌پذیری یک کشور در برابر شوک‌ها به سطح اقتصاد زیرزمینی در آن کشورها بستگی دارد که می‌تواند به‌عنوان یک موج‌شکن برای عوامل اقتصادی جهت مقاومت در برابر شوک‌هایی عمل کند که دولت نتوانسته است اثرات آن‌ها را در طول زمان بر روی اقتصاد رسمی کاهش دهد. از این‌رو، اقتصاد زیرزمینی در مواردی به‌عنوان «بیمه‌ی دولت‌ها»^۱ در نظر گرفته می‌شود.

پیشینه پژوهش

بخش عمده‌ای از مطالعات انجام شده در مورد اقتصاد زیرزمینی به برآورد حجم اقتصاد زیرزمینی و بررسی پیامدهای این پدیده بر روی متغیرهای اصلی اقتصاد کلان پرداخته‌اند. از این‌رو، مطالعه‌ی اثرات اقتصاد زیرزمینی بر توسعه‌ی اجتماعی عموماً مورد غفلت واقع شده است. مطالعات بسیار کمی وجود دارند که به روشنی اثرات اقتصاد زیرزمینی بر توسعه‌ی اجتماعی را مورد بررسی قرار داده باشند. علاوه بر این، تاکنون در ایران مطالعه‌ای به بررسی اثرات اقتصاد زیرزمینی بر توسعه‌ی اجتماعی نپرداخته است. در ادامه به برخی از مطالعات مرتبط با موضوع تحقیق اشاره می‌شود.

الف) تحقیقات داخلی

تاکنون در ایران مطالعه‌ای انجام نشده است که به بررسی اثرات اقتصاد زیرزمینی بر توسعه‌ی اجتماعی بپردازد. در بخش بعد، برخی از مطالعات انجام شده در زمینه توسعه‌ی اجتماعی در ایران پرداخته می‌شود.

فاضلی و همکاران (۱۳۹۲)، در پژوهشی به بررسی موضوع توسعه‌ی اجتماعی، شاخص‌ها و جایگاه ایران در جهان پرداختند. با توجه به شاخصی که در این مقاله بکار برده‌اند، وضعیت رتبه‌ی ایران با سایر کشورهای جهان مقایسه گردیده است. مطابق نتایج، وضعیت کنونی توسعه‌ی اجتماعی در ایران، در مقایسه با سایر کشورهای جهان و همچنین کشورهای ۱۱ گانه‌ی منطقه چندان مناسب نیست و چرایی این امر نیازمند تأملی جدی پیرامون توسعه‌ی اجتماعی است (فاضلی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۵۲-۱۱۹).

متقی (۱۳۹۶)، در پژوهشی واکاوی شاخص‌های توسعه‌ی اجتماعی ایران (رویکردی بر برنامه‌های توسعه) را با استفاده از شاخص‌های توسعه‌ی اجتماعی و با رویکردی توصیفی

^۱ insurance of governments

- تحلیلی طی برنامه‌های اول تا پنجم توسعه و در دوره‌ی زمانی ۱۳۹۴-۱۳۶۸ مورد بررسی قرار داده است. نتایج مطالعه نشان داد که به رسمیت شناخته نشدن عرصه‌های عمومی سبب شده است تا برنامه‌های توسعه در ایران از انعکاس همه‌ی واقعیت‌ها و لایه‌های چندگانه‌ی توسعه در کشور ناتوان باشد. در میان برنامه‌های توسعه، برنامه‌ی اول و سوم بیش از دیگر برنامه‌ها بر شاخص‌های غیر ارگانیکی تأکید داشته است (متمقی، ۱۳۹۶).

موسوی و همکاران (۱۳۹۶)، در تحقیقی به بررسی ابعاد و مؤلفه‌های توسعه‌ی اجتماعی در برنامه‌های پنج‌گانه‌ی توسعه‌ی اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی ایران با روش تحلیل محتوای کیفی و کمی پرداختند. نتایج حاصل از این پژوهش نشان داد که با توجه به مقتضیات اجتماعی - فرهنگی جامعه‌ی ایران و روند رو به رشد آسیب‌های اجتماعی و همچنین عدم دستیابی به جایگاه مناسب جهانی بر اساس سند چشم‌انداز، سیاست‌گذاری در مؤلفه‌های فراموش شده در توسعه می‌تواند امری راهگشا باشد (موسوی و همکاران، ۱۳۹۶).

ب) تحقیقات خارجی

دلانو^۱ (۲۰۱۰)، در پژوهشی به بررسی نقش نهادها و توسعه‌ی انسانی در اقتصاد غیر رسمی آمریکای لاتین پرداخت. این مطالعه با در نظر گرفتن شاخص‌های چارچوب نهادی مانند توسعه‌ی انسانی، نرخ مالیات نهایی، هزینه‌های اجتماعی عمومی و نرخ بیکاری و با به‌کارگیری روش داده‌های ترکیبی انجام شده است. نتایج مطالعه نشان داد که ساختار نهادی هر جامعه یک شاخص کلیدی برای اندازه‌ی اقتصاد غیر رسمی در این کشورها است. بوهن و اشنایدر^۲ (۲۰۱۲)، به بررسی اقتصاد زیرزمینی در کشورهای جهان پرداختند. در این پژوهش با استفاده از مدل میمیک، متوجه شدند که سهم بیشتری اشتغال دولت‌های محلی و آرمان کارکنان دولتی برای پیروی از قوانین، به‌طور معناداری از فعالیت‌های زیرزمینی اقتصادی جلوگیری می‌کند. همچنین نتایج مطالعه نشان داد که افزایش بار مالیات و مقررات و همچنین وضعیت اقتصاد رسمی و متغیرهای اجتماعی، عوامل مهمی در شکل‌گیری اقتصاد زیرزمینی هستند.

^۱ Dell'Anno

^۲ Buehn & Schneider

کاترچکا^۱ (۲۰۱۴)، به بررسی تأثیر اقتصاد زیرزمینی بر توسعه اجتماعی در منتخبی از کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه طی دوره‌ی زمانی ۱۹۷۰-۲۰۰۸ و با استفاده از روش رگرسیون چند متغیره و روش داده‌های ترکیبی^۲ برای ۵۸ کشور کمتر توسعه‌یافته پرداخت. این مطالعه از چهار شاخص شامل امید به زندگی، شیوع ایدز، نرخ مرگ‌ومیر در کودکان کمتر از ۵ سال و نرخ ثبت نام در مدارس به‌عنوان شاخص‌های توسعه‌ی اجتماعی استفاده نموده است. نتایج این مطالعه نشان داد که اقتصاد زیرزمینی به طور عمده تأثیر منفی و معناداری بر توسعه‌ی اجتماعی در کشورهای در حال توسعه داشته است و این اثر وابسته به سطح توسعه‌ی کشور است. تاکنون در ایران مطالعه‌ای انجام نشده است که به بررسی اثرات اقتصاد زیرزمینی بر توسعه‌ی اجتماعی بپردازد. در بخش بعد، برخی از مطالعات انجام شده در زمینه‌ی توسعه اجتماعی در ایران پرداخته می‌شود.

روش‌شناسی پژوهش و مدل‌های مورد استفاده در این مطالعه

روش داده‌های ترکیبی^۳ در سال‌های اخیر توسعه‌ی قابل توجهی یافته است. پدرونی^۴ (۱۹۹۹) و کائو (۱۹۹۹)، روش‌هایی را برای آزمون هم‌جمعی در داده‌های ترکیبی پیشنهاد نمودند. در طی سال‌های اخیر روش‌های متنوعی برای بررسی هم‌جمعی بین متغیرها در داده‌های ترکیبی ارائه شده است. در عین حال که برآوردگر حداقل مربعات معمولی^۵، حتی تحت شرایط استفاده از داده‌های ترکیبی یک روش سازگار است؛ این روش اریب جانبی است، به طوری که خطای استاندارد به دست آمده از این روش معتبر نیست (کائو و چیانگ^۶، ۲۰۰۰). روش داده‌های ترکیبی در بر دارنده‌ی مجموعه‌ای از داده‌ها است که در طول یک دوره‌ی زمانی مشخص مانند (T) و به وسیله‌ی تعداد زیادی از متغیرهای مقطعی در نظر گرفته می‌شوند که اغلب به صورت تصادفی انتخاب می‌شوند. به همین دلیل، روش داده‌های ترکیبی هر دو جنبه داده‌های سری زمانی و مقطعی را در بر می‌گیرد. مجموعه داده‌های ترکیبی دارای مزیت‌های زیادی در مقایسه با داده‌های مقطعی و داده‌های سری زمانی است که از جمله آن‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

^۱ katrechka & dahlberg

^۲ panel data approach

^۳ panel data

^۴ Pedroni

^۵ ordinary least square

^۶ Kao and Chiang

- الف) تعداد مشاهدات و داده‌ها در روش داده‌های ترکیبی عموماً بسیار بیشتر است و اعتماد به برآوردها را افزایش می‌دهد.
- ب) به محققان اجازه می‌دهد، مدل‌های پیشرفته‌تری را تبیین و آزمون کنند تا فرضیه‌های مقید کننده‌ی کمتری داشته باشند.
- ج) زیاد بودن تعداد مشاهدات مسأله‌ی هم‌خطی در اقتصادسنجی را تا حدود زیادی حل می‌کند. چون داده‌ها هم در طول زمان و هم در میان افراد تغییر می‌کنند، احتمال کمتری می‌رود متغیرها با یکدیگر هم‌خطی داشته باشند.
- د) با این مجموعه داده‌ها می‌توان اثراتی را شناسایی و اندازه‌گیری کرد که در داده‌های مقطعی محض یا سری زمانی خالص قابل شناسایی نیست. گاهی استدلال می‌شود داده‌های مقطعی، رفتارهای بلندمدت را نشان می‌دهد، ولی در داده‌های سری زمانی بر اثرات کوتاه‌مدت تأکید می‌شود.
- ه) داده‌های ترکیبی با ارائه‌ی داده برای هزاران واحد، می‌توانند اربیبی^۱ را که ممکن است در نتیجه‌ی لحاظ افراد یا بنگاه‌ها (به‌صورت جمعی و کلی) حاصل شود، حداقل سازد. استفاده از این روش سبب می‌شود، تأثیراتی را که به سادگی در داده‌های مقطعی و سری زمانی قابل مشاهده نیست، به شکل بهتری معین نمود. برای مثال اثرات قوانین دستمزد بر اشتغال و کسب درآمد را بهتر می‌توان مطالعه کرد (بالتاجی^۲، ۲۰۰۵).

مدل مطالعه

به منظور بررسی اثر اقتصاد زیرزمینی بر توسعه‌ی اجتماعی در ایران با پیروی از مطالعه‌ی کاترچکا^۳ (۲۰۱۴) و آستیما و همکاران^۴ (۲۰۱۷)، مدل زیر برای بررسی اثر اقتصاد زیرزمینی بر توسعه‌ی اجتماعی در منتخبی از کشورهای خاورمیانه مورد استفاده قرار گرفته است:

$$SD_i = \beta_0 + \beta_2 HE_{it} + \beta_3 EE_{it} + \beta_4 UND_{it} + \beta_4 GI_{it} + \varepsilon_{it} \quad (1)$$

¹ bias

² Baltagi

³ Katrechka

⁴ Astima & et al

مطابق رابطه‌ی (۱)، SD ، بیانگر شاخص توسعه‌ی اجتماعی است که بر اساس بسیاری از مطالعات از شاخص HDI ، به‌عنوان مناسب‌ترین متغیر جایگزین برای توسعه‌ی اجتماعی استفاده می‌شود (کاترچکا، ۲۰۱۴). متغیرهای HE و EE به ترتیب نشان‌دهنده‌ی مخارج بهداشتی دولت و مخارج صورت گرفته بر روی آموزش از سوی دولت است؛ همچنین متغیر GI نیز نشان‌دهنده‌ی ضریب جینی است که به‌عنوان شاخصی برای توزیع درآمد در جامعه مورد استفاده قرار گرفته است. همه‌ی داده‌های مورد استفاده در این مطالعه از سایت بانک جهانی به آدرس www.worldbank.ir برای دوره‌ی زمانی ۲۰۱۵-۲۰۰۰ جمع‌آوری شده‌اند. لازم به ذکر است که مقادیر اقتصاد زیرزمینی برای کشورهای مورد مطالعه با استفاده از برآورد انجام شده توسط اشنایدر (۲۰۱۴) برای حجم اقتصاد زیرزمینی در کشورهای جهان به دست آمده است.

برآورد مدل و تحلیل نتایج

پیش از برآورد مدل‌های، لازم است تا از کاذب نبودن رابطه‌ی رگرسیونی مورد نظر اطمینان حاصل نمود. بدین منظور ابتدا مانایی متغیرها بر اساس آزمون لین، لوین و چو (LLC) مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج حاصل از انجام آزمون‌های مانایی برای متغیرهای موجود در مدل مورد نظر در جدول ۱ ارائه شده است.

جدول ۱: نتایج آزمون ریشه‌ی واحد لین، لوین و چو (LLC) (سطح)

متغیر	روش ارزیابی	آماره‌ی آزمون	احتمال	ایستایی یا نا ایستایی
SD	مقدار ثابت	۰/۹۰۱۳۳	۰/۸۱۶۳	نامانا
	مقدار ثابت و روند	۱/۰۰۸۰۱	۰/۰۰۰۰	
HE	مقدار ثابت	-۲/۵۴۴۸۲	۰/۰۰۵۵	مانا
	مقدار ثابت و روند	-۲/۲۱۸۳۳	۰/۰۱۳۳	
EE	مقدار ثابت	۴/۶۸۷۵۸	۱/۰۰۰۰	نامانا
	مقدار ثابت و روند	-۰/۳۱۱۴۳	۰/۳۷۷۷	
UND	مقدار ثابت	-۲/۲۲۶۶۷	۰/۰۱۳۰	مانا
	مقدار ثابت و روند	-۲/۱۴۸۸۲	۰/۰۱۵۸	
GI	مقدار ثابت	-۱/۷۰۷۰۱	۰/۰۴۳۹	مانا
	مقدار ثابت و روند	-۲/۹۹۷۵۰	۰/۰۰۱۴	

مطابق نتایج به دست آمده از آزمون‌های مانایی متغیرها، با مقایسه‌ی مقادیر به دست آمده برای آماره‌ی محاسباتی با مقادیر بحرانی در سطح خطای ۵ درصد و همچنین مقدار *prob* به دست آمده از آزمون‌های مانایی، از آنجا که مقدار *prob* به دست آمده در سطح اطمینان ۹۵ درصد کمتر از مقدار ۰/۰۵ بوده است؛ می‌توان گفت که متغیرهای *HE*، *UND* و *GI* در سطح مانا بوده‌اند؛ همچنین، متغیرهای *SD* و *EE* دارای ویژگی مانایی نیستند. بنابراین، مجدداً آزمون‌های مانایی لین، لوین و چو (*LLC*)، برای تفاضل مرتبه‌ی اول متغیرهای نامانا تکرار شده است. نتایج این آزمون در جدول ۲ مشاهده می‌شود.

جدول ۲: نتایج آزمون مانایی متغیرها به روش لوین و لین و چو (*LLC*) (تفاضل مرتبه‌ی اول متغیرها)

متغیر		روش ارزیابی	آماره‌ی آزمون	احتمال	ایستایی یا نایستایی
<i>SD</i>	تفاضل مرتبه‌ی اول	مقدار ثابت	-۲/۸۹۲۷۳	۰/۰۰۱۹	ایستا
		مقدار ثابت و روند	-۲/۷۸۷۹۴	۰/۰۰۲۷	
<i>EE</i>		مقدار ثابت	-۲/۵۷۹۶۶	۰/۰۰۴۹	ایستا
		مقدار ثابت و روند	-۴/۱۷۱۹۶	۰/۰۰۰۰	

منبع: نتایج تحقیق

مطابق نتایج جدول ۲، از آنجا که مقدار *prob* به دست آمده برای آزمون‌های مانایی کمتر از ۰/۰۵ بوده است، تفاضل مرتبه‌ی اول متغیرهای مورد نظر مانا بوده‌اند. از آنجا که برخی از متغیرهای مدل در سطح مانا بوده و برخی دیگر مانا نبوده‌اند. بنابراین، به منظور اطمینان از وجود رابطه‌ی بلندمدت بین متغیرهای مدل بایستی از آزمون‌های هم‌جمعی استفاده نمود. در این مطالعه برای بررسی وجود هم‌جمعی بین متغیرها از آزمون هم‌جمعی کائو در داده‌های ترکیبی استفاده شده است. نتایج آزمون هم‌جمعی کائو در جدول ۳ ارائه شده است.

جدول ۳: نتایج آزمون هم‌جمعی کائو برای روش داده‌های ترکیبی

آماره‌ی <i>t</i>	<i>Prob</i>	آماره‌ی آزمون کائو (<i>ADF</i>)
-۳/۳۲۴۷۲۸	۰/۰۰۰۴	

فرض صفر در آزمون کائو عدم وجود هم‌جمعی یا رابطه‌ی بلندمدت بین متغیرهای مدل است. بنابراین رد فرض صفر به معنای وجود هم‌جمعی بین متغیرهای مدل و وجود رابطه‌ی بلندمدت بین متغیرها در روش داده‌های ترکیبی خواهد بود. همان‌طور که مشاهده می‌شود، از آن‌جا که مقدار *prob* محاسبه شده برای آزمون هم‌جمعی کائو کمتر از $0/05$ است، فرض صفر آزمون، یعنی عدم هم‌جمعی بین متغیرهای مدل رد شده و وجود رابطه‌ی بلندمدت بین متغیرها تأیید می‌گردد.

نتایج انجام آزمون‌های چاو و هاسمن در روش داده‌های ترکیبی

مهم‌ترین آزمون‌ها در روش داده‌های ترکیبی آزمون‌های چاو^۱ و هاسمن^۲ است. از آزمون چاو برای انتخاب بین روش داده‌های تلفیقی^۳ و روش داده‌های ترکیبی^۴ استفاده می‌شود. برای انجام آزمون چاو، ابتدا مدل اثر ثابت زمانی تخمین زده شده است. سپس آزمون چاو را انجام داده و آزمون مورد نظر بر اساس آماره‌ی F لیمر مورد بررسی قرار خواهد گرفت. نتایج آزمون چاو به صورت خلاصه در جدول ۴ آمده است.

جدول ۴: آزمون چاو برای تشخیص الگوی داده‌های ترکیبی یا تلفیقی

نتیجه	سطح معنی‌داری	مقدار محاسبه شده‌ی F	Chow Test
رد H_0	۰/۰۰۰۰	۵۰/۲۰۲۹۰۴	

مطابق نتایج به‌دست آمده برای آزمون چاو، فرض صفر این آزمون در سطح خطای $0/05$ رد شده که نشان می‌دهد، داده‌های مورد مطالعه از نوع داده‌های ترکیبی است. پس از اطمینان از برآورد مدل به کمک روش داده‌های ترکیبی با استفاده از آزمون چاو، برای تعیین نحوه‌ی برآورد مدل با استفاده از مدل اثرات ثابت یا اثرات تصادفی از آزمون هاسمن استفاده می‌شود. نتایج انجام آزمون هاسمن در جدول ۵ ارائه شده است.

¹ Chow

² Hausman

³ pooled data

⁴ panel data

جدول ۵: نتایج آزمون هاسمن برای روش داده‌های ترکیبی

آزمون هاسمن (Hausman)	آماره‌ی محاسباتی توزیع X^2	درجه‌ی آزادی	سطح معنی‌داری	نتیجه
	۲۸/۷۲۶۳۸۶	۴	۰/۰۰۰۰	تأیید اثرات ثابت

منبع: نتایج تحقیق

مطابق نتایج آزمون هاسمن، فرض صفر آزمون هاسمن رد شده و بنابراین مدل مورد نظر باید به روش داده‌های ترکیبی و با استفاده از رویکرد اثرات ثابت برآورد شود. پس از انجام آزمون‌های آسیب‌شناسی مدل و همچنین آزمون‌های مختص داده‌های ترکیبی و اطمینان از کاذب نبودن مدل رگرسیون برآورد شده، مدل اصلی مطالعه با استفاده از روش داده‌های ترکیبی و با رویکرد اثرات ثابت برآورد شده است. نتایج برآورد مدل در جدول ۶ مشاهده می‌شود.

جدول ۶: برآورد مدل با استفاده از روش داده‌های ترکیبی و رویکرد اثرات ثابت

متغیرهای توضیح‌دهنده	ضریب برآورد شده	آماره‌ی t	Prob
C	۴۱/۳۵	۸/۵۵	۰/۰۰۰۰
HE	۰/۰۳۹	۲/۰۹۱	۰/۰۳۸۰
EE	۰/۲۳۷	۴/۹۵	۰/۰۰۰۰
UND	-۰/۰۸۱	-۲/۱۲۳	۰/۰۳۵۲
GI	-۰/۰۰۰۸	-۵/۳۱	۰/۰۰۰۰
R^2	$Prob (F-statistic)$	۰/۹۰۰۳۸۲	۰/۰۰۰۰

پس از برآورد نمودن مدل مطالعه با استفاده از روش داده‌های ترکیبی، هم‌اکنون می‌توان به بررسی اثرات هر یک از متغیرهای مدل بر توسعه‌ی اجتماعی در کشورهای مورد مطالعه پرداخت.

مطابق با نتایج به دست آمده از جدول ۶، ضریب برآورد شده برای متغیر حجم اقتصاد زیرزمینی برابر با $-۰/۰۸۱$ و $prob$ برآورد شده برای این ضریب برابر با $۰/۰۳۵۲$ بوده است که نشان‌دهنده‌ی اثر منفی و معنادار اقتصاد زیرزمینی بر توسعه‌ی اجتماعی در کشورهای مورد مطالعه است. به عبارت دیگر، با ثابت بودن سایر شرایط به ازای یک درصد افزایش در حجم اقتصاد زیرزمینی سطح توسعه‌ی اجتماعی به میزان $۰/۰۸۱$ کاهش می‌یابد. بنابراین،

می‌توان گفت که اقتصاد زیرزمینی اثری منفی و معنادار بر توسعه‌ی اجتماعی در کشورهای خاورمیانه داشته است. همان‌طور که در بخش مبانی نظری نیز بیان گردید، اقتصاد زیرزمینی می‌تواند به شکل‌های مختلف بر توسعه‌ی اجتماعی اثرگذار باشد که از جمله آن‌ها می‌توان به اثرات اقتصاد زیرزمینی بر محیط اقتصادی اجتماعی و همچنین پیامدهای ناگوار اجتماعی و فرهنگی ناشی از گسترش بخش زیرزمینی در اقتصاد اشاره نمود.

ضریب برآورد شده برای متغیر مخارج بهداشتی دولت برابر با $0/039$ و $prob$ آن برابر با $0/038$ بوده است که بیان می‌کند با ثابت بودن سایر شرایط، به ازای هر یک واحد افزایش در سطح مخارج بهداشتی از سوی دولت، سطح توسعه‌ی اجتماعی به میزان $0/039$ واحد افزایش می‌یابد. بنابراین، افزایش مخارج دولتی دارای اثری مثبت و معنادار بر سطح توسعه‌ی اجتماعی بوده است.

از طرفی، ضریب برآورد شده برای مخارج انجام شده از سوی دولت بر روی آموزش نیز برابر با $0/237$ و مقدار $prob$ برآورد شده برای این متغیر برابر با $0/000$ بوده است که نشان می‌دهد، با ثابت بودن سایر شرایط، به ازای هر یک واحد افزایش در سطح مخارج دولتی، سطح توسعه‌ی اجتماعی به میزان $0/237$ واحد افزایش می‌یابد. این مسأله مؤید اثرات مثبت و معنادار مخارج دولتی انجام شده بر روی آموزش بر سطح توسعه‌ی اجتماعی است. همچنین بر اساس نظر آلا (۲۰۱۳)، افزایش سطح آموزش می‌تواند به‌عنوان یکی از عوامل اصلی جهت کاهش اقتصاد زیرزمینی مطرح شود. در این‌جا می‌توان مشاهده نمود که افزایش فرار مالیاتی در بخش زیرزمینی می‌تواند موجب کاهش درآمد مالیاتی دولت از طریق مالیات‌ستانی شده و در نهایت به کاهش سطح مخارج دولتی بر روی آموزش و بهداشت بینجامد که در نهایت می‌تواند به اثرات شدیدتری در نزول سطح توسعه‌ی اجتماعی منجر شود.

در نهایت می‌توان اثرات ضریب جینی بر سطح توسعه‌ی اجتماعی را به شکل دقیق‌تری مورد بررسی قرار داد. هر چقدر ضریب جینی نزدیک به عدد صفر باشد، برابری بیشتر در توزیع درآمد را نشان می‌دهد و بالعکس هر چقدر ضریب جینی نزدیک به عدد یک باشد، توزیع نابرابرتر درآمد را مشخص می‌کند. از آن‌جا که ضریب برآورد شده برای متغیر ضریب جینی برابر با $0/008-$ و $prob$ برآورد شده برای این متغیر برابر با صفر بوده

است، این مسأله نشان می‌دهد که افزایش ضریب جینی که همان برابری کمتر در توزیع درآمد است، اثری منفی و معنادار بر توسعه اجتماعی داشته است. بنابراین، می‌توان گفت که افزایش نابرابری در توزیع درآمد می‌تواند به کاهش سطح توسعه اجتماعی در کشورهای مورد مطالعه منجر شود. به‌طور کلی، نتایج حاصل از برآورد مدل نشان‌دهنده‌ی اثر منفی و معنادار اقتصاد زیرزمینی و افزایش نابرابری در توزیع درآمد بر سطح توسعه اجتماعی است. از طرفی، می‌توان مشاهده نمود که افزایش مخارج دولتی بر روی سطح بهداشت و آموزش اثری مثبت و معنادار بر سطح توسعه اجتماعی در کشورهای مورد مطالعه داشته است.

نتیجه‌گیری

امروزه اقتصاد زیرزمینی و پدیده‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و حتی زیست‌محیطی مرتبط با آن تبدیل به یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های دولت‌ها در بسیاری از کشورهای جهان شده است. ملاک اصلی برای قرار گرفتن در حیطه‌ی اقتصاد زیرزمینی «غیر قانونی بودن» ارزش افزوده تولید شده از فعالیت‌های اقتصادی است. از طرفی، انجام فعالیت‌های اقتصادی غیر قانونی به معنای تجاوز به حریم تعیین شده از سوی دولت و نقض نظم حقوقی و قانونی موجود در هر جامعه است.

با توجه به این نگرش، این‌گونه به نظر می‌رسد که پیدایش اقتصاد زیرزمینی ریشه در خصوصیات نهادها و محدودیت‌های رسمی موجود (نظم حقوقی حاکم) و ویژگی‌های محیط اقتصادی و همچنین سایر عوامل محیطی (فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و حتی جغرافیایی) دارد. در واقع مجموعه‌ی این ویژگی‌های محیطی است که بستر تصمیم‌گیری افراد و بنگاه‌ها در انتخاب فعالیت در حیطه‌های مختلف را تشکیل می‌دهد و علل انتخاب و حضور در بخش زیرزمینی را باید در همین وارد جستجو کرد (عرب‌مازار یزدی، ۱۳۸۴).

بسیاری از مطالعات انجام شده در مورد اقتصاد زیرزمینی عمدتاً به بررسی جوانب اقتصادی این پدیده و یا برآورد حجم اقتصاد زیرزمینی از روش‌های مختلف می‌پردازند. از این‌رو، اثرات اقتصاد زیرزمینی بر توسعه اجتماعی و پیامدهای فرهنگی و سیاسی این پدیده بر توسعه‌ی جوامع کمتر مورد توجه قرار گرفته است. هدف اصلی این مطالعه بررسی

اثر اقتصاد زیرزمینی بر توسعه اجتماعی در کشورهای خاورمیانه بود. برای این منظور، پس از بررسی جامع بر مفاهیم توسعه اجتماعی، اقتصاد زیرزمینی و اثرات مثبت و منفی گسترش اقتصاد زیرزمینی بر توسعه اجتماعی و اقتصادی جامعه و همچنین مروری بر مطالعات تجربی انجام شده در این زمینه، اثر اقتصاد زیرزمینی و سایر متغیرهای اثرگذار بر توسعه اجتماعی مورد بررسی قرار گرفت.

پس از تجزیه و تحلیل داده‌های موجود با استفاده از روش داده‌های ترکیبی و همچنین انجام آزمون‌های تشخیصی و آزمون‌های خاص مربوط به روش داده‌های ترکیبی (چاو و هاسمن)، مدل اصلی مطالعه برآورد گردید. نتایج حاصل از برآورد مدل نشان داد که اقتصاد زیرزمینی و پدیده‌های مرتبط با آن اثر منفی و معنادار بر توسعه اجتماعی در کشورهای مورد مطالعه داشته است. از طرفی، بر اساس نتایج مطالعه، اثرات مثبت و معنادار مخارج بهداشتی و مخارج دولت بر روی آموزش در بهبود سطح توسعه اجتماعی مورد تأیید قرار گرفت.

از سوی دیگر، نتایج مطالعه نشان داد که افزایش نابرابری در توزیع درآمد در جامعه می‌تواند به کاهش در سطح توسعه اجتماعی منجر شود. با توجه به اثرات منفی و معنادار اقتصاد زیرزمینی بر توسعه اجتماعی توصیه می‌شود که سیاست‌گذاران تلاش ویژه‌ای را صرف محدود نمودن پیامدهای منفی اقتصاد زیرزمینی و فعالیت‌های غیر قانونی نمایند و اثرات گسترده و پیچیده‌ی اقتصاد زیرزمینی را چه در زمان سیاست‌گذاری و چه در زمان اجرای سیاست‌های مختلف مد نظر قرار دهند.

از جمله مهم‌ترین راهکارهای مناسب برای کاهش سطح اقتصاد زیرزمینی و همچنین بهبود وضعیت توسعه اقتصادی و اجتماعی، افزایش شفافیت، تلاش برای افزایش کیفیت نهادها، مهار تورم و کاهش فقر، افزایش کارآمدی دولت و تأمین حداقل نیازهای زندگی به منظور گرایش کمتر افراد به سمت اقتصاد زیرزمینی است؛ همچنین با توجه به اثرات مثبت مخارج بهداشتی و مخارج آموزشی بر سطح توسعه اجتماعی لازم است سرمایه‌گذاری‌های مناسبی در بخش آموزشی و بهداشتی جهت ایجاد سلامت روانی و ارتقاء سطح مهارت افراد شاغل در بخش زیرزمینی جهت بهبود شرایط زندگی این افراد انجام شود. علاوه بر این، تلاش دولت در راستای شفافیت مالیاتی و ثبت شدن دقیق آمار و ارقام

مربوط به درآمدهای بخش زیرزمینی و تلاش برای کاهش توزیع نابرابر درآمد از جمله مهم‌ترین وظایف دولت در این بخش محسوب می‌شود.

فهرست منابع:

آزادارمکی، تقی؛ مبارکی، مهدی و شهبازی زهره (۱۳۹۱). "بررسی و شناسایی شاخص‌های کاربردی توسعه اجتماعی"، مطالعات توسعه اجتماعی - فرهنگی، دوره ۱، شماره ۱. ۱.

کلانتری، صمد و گنجی، محمد (۱۳۸۴). "شاخص‌های توسعه اجتماعی و اقتصادی در ایران"، مجله اقتصاد سیاسی و اقتصادی، شماره ۲۱ و ۲۲. ۲۲.

عرب‌مازار یزدی، علی (۱۳۸۴). اقتصاد سیاه در ایران، مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی، تهران، ایران.

فاضلی، محمد؛ فتاحی، سجاد و زنجان رفیعی، سیده نسترن (۱۳۹۲). "توسعه اجتماعی، شاخص‌ها و جایگاه ایران در جهان"، فصلنامه مطالعات توسعه اجتماعی - فرهنگی، دوره دوم، شماره ۱. ۱.

متقی، سمیرا (۱۳۹۶). "واکاوی شاخص‌های توسعه اجتماعی ایران"، مجله مطالعات اجتماعی ایران، دوره دهم، شماره ۲ و ۳. ۳.

موسوی، میرطاهر؛ جغتایی، فائزه و زاهدی، محمدجواد (۱۳۹۶). "ابعاد و مؤلفه‌های توسعه اجتماعی در برنامه‌های پنجگانه توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی جمهوری اسلامی ایران"، مجله رفاه اجتماعی، دوره ۱۶، شماره ۶۳. ۶۳.

Astim, A., Dede, R. (2017). "Analysis of Factors Affecting the Human Development Index in North Sumatra Provinc", Volume 19, Issue 10. Ver. VII. (October. 2017), PP 27-36.

Baltagi, B. H., Bratberg, E., & Holmas, T. H. (2005). "A panel data study of physicians' labor supply: the case of Norway", Health Economics, 14 (10), 1035-1045.

Bilance, P. (2010). A world in balance—Balance stands for social development. Policy Paper.

Bovi, M. (2002). The nature of the underground economy: Some evidence from OECD countries. Rome: ISAE Istituto di Studi e Analisi Economica.

D'Heroncourt, J., & Méon, P. G. (2008). The not so dark side of trust: does trust increase participation in the shadow economy, Unpublished manuscript, Université Libre de Bruxelles.

Dell'Anno, R. (2010). "Institutions and human development in the Latin American informal economy", *Constitutional Political Economy*, 21(3), 207-230.

Ela, M. (2013). "An assessment on the relationship between informal economy and educational level in Turkey", *International Journal of Economics and Financial Issues*, 3(4), 910-922.

Fernández-Serrano, J., & Romero, I. (2014). About the interactive influence of culture and regulatory barriers on entrepreneurial activity. *International Entrepreneurship and Management Journal*, 10(4), 781-802.

Gerxhani, K. (2004). "The informal sector in developed and less developed countries: a literature survey", *Public choice*, 120(3-4), 267-300.

Kao, C. (1999). "Spurious Regression and Residual Based Tests for Cointegration in Panel Data", *Journal of Econometrics*, 90(1): 1-44.

Kao, C. and Chiang, M., H. (2000). "On the Estimation and Inference of Cointegrated Regression in Panel Data", *Advances in Econometrics*, 15: 179-222.

Katrechka, A., & Dahlberg, S. (2014). The effect of the shadow economy on social development, University of Gothenburg, 95.

Loayza, N. V., & Rigolini, J. (2011). "Informal employment: Safety net or growth engine?", *World Development*, 39(9), 1503-1515.

Mara, E. R. (2011). Causes and consequences of underground economy, MPRA Paper 36438, University Library of Munich, Germany, revised 2011.

Nikopour, H., Shah Habibullah, M., & Schneider, F. (2008). The shadow economy Kuznets's curve panel data analysis.

Pedroni, P. (1999). "Critical Values for Cointegration Test in Heterogeneous Panels with Multiple Regressors", *Oxford Bulletin of Economics and Statistics*, 61: 653-670.

Pfau-Effinger, B. (2003). Development of informal work in Europe-causal factors, problems, approaches to solutions. In EU Workshop Informal/undeclared work 21st May, Brussels.

Radulescu, I. G., Popescu, C. A. T. A. L. I. N., & Matei, M. (2010). "Conceptual Aspects of Shadow Economy", *Transactions on Business and Economics–WSEAS*, 7, 160-169.

Schneider, F., & Enste, D. H. (2000). "Shadow economies: size, causes, and consequences", *Journal of economic literature*, 38(1), 77-114.

Schneider, F., & Enste, D. H. (2013). *The shadow economy: An international survey*. Cambridge University Press.

Schneider, F., & Kearney, A. T. (2013). *The shadow economy in Europe, 2013*. Johannes Kepler Universitat, Linz.

Schneider, F., Buehn, A., & Montenegro, C. E. (2011). "Shadow economies all over the world: New estimates for 162 countries from 1999 to 2007", *Handbook on the shadow economy*, 9-77.

Singh, A., Jain-Chandra, S., & Mohommad, A. (2014). "Inclusive growth, institutions, and the underground economy", *Human dignity and the future of global institutions*, 103-122.

Smith, S. (1990). "European perspectives on the shadow economy", *European Economic Review*, 33(2-3), 589-596.

Stiglitz, J. (2002). "Participation and Development: Perspectives from the Comprehensive Development Paradigm", *Review of Development Economics*, 6: 152-182.

Teobaldelli, D., & Schneider, F. (2012). *Beyond the veil of ignorance: The influence of direct democracy on the shadow economy*. CESifo Working Paper MO3749, University of Munich, Munich.

Williams, C. C., & Schneider, F. (2016). *Measuring the Global Shadow Economy: the prevalence of informal work and labour*. Edward Elgar Publishing.